**به نا خدا**

**طرح مستند:**

فصل تغییر کوچه‌ها

**نویسنده: آرمان دانش ور**

**موضوع:**

انقلاب اسلامی سال 57 ایران در اردبیل

**ایده:**

میدان‌ ها، خیابان‌ها و کوچه‌ها، میزبان مردم از هر قشر و هر سنی بود که حرف‌هایی از انقلاب در گوش هم زمزمه می کردند. حالا در همان خیابانها و کوچه‌ها نسل ما که زمان انقلاب هنوز به دنیا نیامده بودند قدم می زنیم غافل از اینکه چه ها که در این مکان‌ها اتفاق نیفتاده است. حالا مردمان آن زمان و آن کوی و برزن، حرف‌ها و وقایع را برای آنها که آن روزها را ندیده‌اند بازگو می کنند، اینچنین به خاطرات حماسی پر از شور و شوق و جانفشانی های گاه پر از اندوه، مروری می کنیم. انقلاب اسلامی سال 1357 و وقایع خیابان‌های اردبیل از زبان مردم عادی کف خیابان روایت می شود.

**طرح:**

وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تحت تأثیر عوامل مختلفی بود که به شکل‌گیری انقلاب کمک کردند. محمدرضا پهلوی، شاه ایران، به طور استبدادی حکومت می‌کرد و تلاش می‌کرد تا با اصلاحات مدرنیته به کمک غرب مخصوصا ایالات متحده، کشور را اداره کند. دولت با استفاده از امنیتی‌ترین نهادها، به ویژه ساواک، هر نوع مخالفت سیاسی را سرکوب می‌کرد. احزاب و گروه‌های مختلف، از جمله چپ‌گرایان و ملی‌گرایان، در تلاش برای مبارزه با حکومت مورد سرکوب قرار می‌گرفتند. روحانیون، به ویژه آیت‌الله خمینی، به عنوان یکی از مهم‌ترین مخالفان رژیم باقی‌ماندند.

ایران در این دوره، به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در جهان تبدیل شده بود و درآمدهای نفتی به شدت به اقتصاد کشور کمک می‌کرد. اما در عین حال، این درآمدها به طور نامناسبی توزیع شده و بخش‌هایی از جامعه از آنها بهره‌مند نمی‌شدند. این نابرابری اقتصادی، نارضایتی‌های اجتماعی را افزایش می‌داد. شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باعث ایجاد نارضایتی میان گروه‌های مختلف مردم شده بود. این نارضایتی‌ها به جمعیت‌های جوان، کارگران، و طبقات میان‌دست متکی بود که به دنبال تغییر بودند. روحانیت و سازمان‌های مذهبی نقش مهمی در بسیج مردم و هدایت نارضایتی‌ها به سمت انقلاب ایفا کردند. شعارها و نظریات مذهبی در کنار خواسته‌های اجتماعی و سیاسی، موجب جلب حمایت مردم شدند. در نهایت، این وضعیت به یک بحران سیاسی و اجتماعی شدید منجر شد که خود را در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نشان داد. عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به هم پیوسته و زمینه‌ساز تغییرات بنیادی در ساختار حکومت و جامعه ایران شدند.

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در اردبیل هم مانند دیگر نقاط ایران، واکنش‌ها و تحولات خاص خود را به همراه داشت. اولين بازتاب انقلاب در اردبیل، پس از فاجعه مدرسه فيضيه و واقعه 15 خرداد 1342  و دستگيري امام خميني و حركت خونين مردم تهران، قم و ورامين بود که منجر به تعطيلي بازار شد كه با استقبال اكثر بازاريان مواجه گرديد. علما و روحانيون اردبيلي از جمله سيد غني اردبيلي(امام جماعت مسجد خیرال)، يكي از شاگردان برجسته امام خميني و از فعالان سياسي نهضت 15 خرداد، شيخ محمد صادق متشكري، شيخ غفور عاملي، حاج محمد مسايلي، سيد عبدالكريم موسوي اردبيلي، سيد يونس يونسي(مجتهد)، حاج ميرزا ابوالقاسم توسلي(امام جماعت عالی قاپو)، ميرزا بهاالدين اوستا (علم الهدي)، بيوك آقا مروج( مسجد میرزا علی اکبر) و شيخ ابوذر بيدار و... در اعتراض به اين رفتار رژيم تصميم گرفتند تا در تلگرافخانه شهر دست به تحصن زده و تلگرافی به شاه با این مضمون ارسال کنند، بازداشت يك مرجع تقليد بر خلاف قانون اساسي است، هر چه زودتر دستور دهيد ايشان را آزاد كنند... در نتیجه قیام 15خرداد و کشتار مردم درقم، ورامین و تهران و اقدامات و اعتراضات علما و مردم نواحی مختلف کشور از جمله اردبیل، رژیم شاه مجبورشد از موضع خود برای محاکمه و اعدام امام خمینی (ره) عقب نشینی کند. در اثر همین فعالیت ها و مجاهدت های علما و روحانیون هم بود که کم کم مردم اردبیل با نام امام خمینی آشنا شده و پی گیر احوال و اوضاع ایشان شدند. در ادامه در جریان مخالفت امام خمینی با کاپیتولاسیون (درچهارم آبان 1343) و دستگیری و تبعید ایشان به ترکیه موجی از اعتراضات مردمی درسراسرکشور پدید آمد. مردم در بسیاری از شهرهای ایران با اعتصاب درمساجد، برقراری جلسات سخنرانی، توزیع اعلامیه، اعتصاب بازار و... در مورد تبعید امام خمینی از خود عکس العمل نشان دادند. ساواک در شهرهایی از جمله اصفهان، نجف آباد، مشهد، اراک، محلات، سبزوار، دزفول، ورامین، یزد، اهواز، بهبهان، تبریز، شهرضا، شیراز، کرمان، جهرم، آبادان، کرمانشاه، قزوین، اردبیل، خرم آباد، لار و نی ریز گزارش هایی تهیه کرده بود. در اردبیل علمایی چون آیت الله موسوی اردبیلی، آیت الله علم الهدی(اوستا) به آگاه سازی مردم پرداخته و در نتیجه مردم و بازاریان به نشانه اعتراض تصمیم به اعتصاب و تعطیلی بازار گرفتند ولی دستگاه های امنیتی و انتظامی اردبیل با تجاربی که از اعتصابات گذشتۀ بازار اردبیل نظیرآنچه درجریان قیام 15 خرداد 42 و انتخابات دورۀ بیست و یکم مجلس شورای ملی به دست آورده بودند، با تمام توان خود در جریان کاپیتولاسیون  وتبعید امام خمینی وارد صحنه شدند. آزار و اذیتی هم که در حق علما روا داشتند، باعث گردید برخی از بزرگان روحانیت شهر که معمولاً در این جریانات نقش تأثیر گذاری ایفا می کردند، نظیرآیت ا... موسوی اردبیلی، مجبور شدند تا برای مقطعی کوتاه شهر را ترک کنند.

اردبیل تا سال های 1356-1357 " در گسترش نهضت اسلامی و مبارزات سهم خود را ایفا کرد. در دوران مبارزات نهضت امام خمینی و به خصوص از سال 1356 دو مسجد به عنوان کانون های اصلی انقلاب فعالیت داشتند مسجد حاج میرصالح که زعامت این پایگاه مذهبی و سیاسی را آیت الله مسائلی برعهده داشتند و دیگری مسجد میرزاعلی اکبر که زعامت این پایگاه نیز برعهدۀ آیت الله (بیوک آقا خلیل زاده) مروج بود.

بروز بی‌عدالتی‌های اجتماعی، نارضایتی‌های اقتصادی و سرکوب سیاسی در سراسر کشور، در اردبیل نیز مشهود بود. این نارضایتی‌ها در قالب اعتراضات و تظاهرات به شکل سازمان‌یافته‌ای ابراز شد. روحانیان و علمای مذهبی نقش مهمی در بسیج مردم و هدایت فعالیت‌های انقلابی ایفا کردند؛ در کنار فعالیت‌های مذهبی، موجب شکل‌گیری یک جنبش مردمی قوی و پایدار شد. اردبیل، به دلیل وجود شخصیت‌های مذهبی و تاثیرگذار، از پیشینه فرهنگی غنی برخوردار بود. این شهر به عنوان توسعه‌دهنده مراکز مذهبی و اسلامی شناخته می‌شد که روحانیون در شکل‌گیری این تحریکات انقلابی نقش کلیدی داشتند. در سال‌های منتهی به انقلاب، تظاهرات و اعتصابات در اردبیل شدت گرفت. تجمعات عمومی و شعارهای ضد رژیم در خیابان‌ها به وفور برگزار می‌شد. رژیم شاه که به شدت نسبت به تظاهرات و آشفتگی‌های اجتماعی حساس بود، با سرکوب نیروهای انقلابی و اعمال خشونت، تلاش می‌کرد تا کنترل را حفظ کند. این اقدامات منجر به افزایش نارضایتی‌ها و خشم عمومی می‌شد. نشریات و بروشورهای انقلابی در استان اردبیل به ویژه در میان جوانان و تحصیل‌کرده‌ها توزیع می‌شد و در ترویج ایده‌های انقلابی تأثیرگذار بود. در پی گسترده‌تر شدن اعتراضات و تظاهرات، و با پیروزی انقلاب در بهمن ۱۳۵۷، مردم اردبیل نیز بر سرنگونی نظام شاهنشاهی به موفقیت دست یافتند. پس از پیروزی انقلاب، اردبیل نیز به تبعیت از تغییرات کشوری، با تحولات سیاسی و اجتماعی جدید روبرو شد و روحانیون و گروه‌های انقلابی در مدیریت امور آن نقش مهمی پیدا کردند.

**ساختار:**

این مستند به شیوه مشارکتی یا تعاملی، در همکاری بین مستند ساز و سوژه مورد مطالعه، تعریف می شود. یافته های تحقیق حاصل مشارکت بین مستند ساز و افراد در فیلم اعلام می شود. سوژه خود آگاه و مطلع از حضور دوربینِ روشن، در برابر دوربین و فیلمساز در پس دوربین در تعامل می باشند. افراد  مستقیم رو به دوربین حرف می زنند. این شکل از مستند به نام های دیگر از جمله سینمای مستقیم یا سینما حقیقت به کشف واقعیت از طریق مشارکت بین مستند ساز و افراد می پردازد. صدای خارج از تصویر هم به ایجاد ارتباط بین مصاحبه ها و جلوگیری از تشتت مباحث کمک می کند.

با توصیف کلی به ایران پیش از انقلاب، وضع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نگاهی به سلطنت محمدرضا پهلوی و تغییرات آن تا سال 57 و بررسی نارضایتی‌ها و جنبش‌های اجتماعی پیش از انقلاب را با استفاده از تصاویر آرشیوی، تصاویر روزنامه ها و نریشن بیان کرده، سپس به نقل وقایع روزهای انقلاب در شهر اردبیل از زبان شاهدان عینی می‌پردازد. روایان داستان انقلاب مردم عادی، کسبه، بازاریان و اهالی محلات هستند. برخی از مصاحبه ها با حضور در اماکن تاثیرگذار به عنوان کانون فعالیت های انقلابی، میادین و خیابانها که محل رخداد درگیری‌ها بوده و خانه هایی که محل برگزاری و تجمع جوانان بوده است انجام خواهد گرفت. همچنین استفاده از مصاحبه با شخصیت‌های کلیدی و کارشناس نیز به منظور تایید سندیت تاریخی گفته ها سعی در کشف ابعاد مختلف این رویداد تاریخی دارد.

این مستند در 10 قسمت 30 دقیقه ای با اشاره و بازگویی تاریخ انقلاب 57 ایران به بررسی پیامدهای آن بر زندگی مردم و فرهنگ ایرانی نیز می پردازد. این روایت می‌تواند به تفکر و گفت‌وگوی بیشتری درباره تأثیر انقلاب‌ها بر جوامع معاصر منجر شود. موسیقی متن با الهام از ملودی‌های ایرانی و نواهای انقلابی نیز می‌تواند تأثیر عاطفی بیشتری بر روی مخاطب بگذارد.

نویسنده: آرمان دانش ور